

هنر زینتی و سربجسته‌ها

دکتر عیسی بهنام
استاد دانشگاه و رئیس اداره موزه‌ها

سه‌جام زیبایی‌را که از عاج تراشیده شده و تزیینات بسیار زیبایی سرتاپای آن را پوشانیده به نحوی معرفی کرده باشیم که خوانندگان از تاریخ و مصرف آن و طریقه بکاربردن آن مطلع گشته باشند. از این گونه شاخها از جنس طلا تعداد زیادی بدست آمده که بعضی از بهترین نمونه‌های آن در نمایشگاه هنر ایران در پاریس نشان داده شده، ولی در زمان اشکانیان بر تعداد آنها اضافه شد و تا زمان ساسانیان استعمال آن ادامه داشت. امروز نیز گویا در بعضی از نواحی قفقاز در مجالس ضیافت این گونه شاخها را برای آشامیدن مشروب بکار می‌برند.

اگر مورد مصرف این شاخ روشن شد از خوانندگان خواهش می‌کنیم به تزیینات آن توجه فرمایند.

دو عدد از آنها نقشهای برجسته‌ای شبیه نقوش دوره هخامنشی دارند و با وجود کهنگی هنوز بسیار زیبا هستند. نقش سوم صورت انسانی است (احتمالاً خداوند شراب در مذهب یونانی) که به سبک یونانی مجسم شده است. در صورتی که عکسها به اندازه کافی واضح باشد روی قسمت فوقانی این شاخها نقوش برجسته‌ای دیده میشود که به سبک یونانی نقش شده ولی ماسک انسانی‌هایی که در لبه‌ی بالای آن نشان داده شده مارا یاد تزیینات کاخ الحضر می‌اندازد، و از خصوصیات هنر عهد اشکانی است.

به این طریق ملاحظه میشود چگونه در منتهی‌الیه شرقی ایران هنر ایرانی اشکانی با یادگارهای دوره‌ی هخامنشی و نقوش برجسته‌ی یونانی با هم آمیزش کرده شاهکارهای هنری

گرچه هنرمندان ایرانی از ساختن مجسمه‌های بزرگ بیزار بودند لیکن وقتی صحبت از تزیین ابنیه یا اشیاء معمولی مورد استفاده بمیان می‌آمد، نهایت مهارت را در ایجاد نقوش برجسته یا نیم برجسته نشان میدادند.

شاید یکی از بهترین نمونه‌ی آن جامهایی است که اخیراً دانشمندان شوروی در شهر «نسا» یعنی اولین پایتخت اشکانیان، از زیر خاک بیرون آورده‌اند، و عکس آن در (شکل ۱) نشان داده میشود.

ما کلمه جام بکار می‌بریم برای اینکه واژه دیگری به زبان فارسی پیدا نکردیم. در حقیقت میتوانستیم کلمه شاخ را بکار ببریم. توضیح مطلب این است که از ایام بسیار قدیم یعنی از زمان شاهنشاهی هخامنشی، و خصوصاً در زمان اشکانیان چنین رسم بود که در مجلس ضیافتی که بعد از شکار برپا میشد، شراب انگور را در شاخ حیوانها می‌خوردند. بعدها این شاخها به شاخ طلا مبدل شد، باین معنی که شاخی از طلا ساختند که در ضیافتها بکار برده میشد. ولی قسمت باریکتر این شاخ که هنگام آشامیدن در میان کف دست قرار میگرفت شکل سرحیوان را بخود گرفت و بدنه ظرف نیز به انواع تزیینات مزین گشت. در موارد عادی به جای شاخ طلا شاخی از گل پخته بکار برده میشد، ولی بهر صورت شاخ شکل سرحیوان بخود میگرفت تا یادی از شاخ اصلی که در نتیجه‌ی شکار حاصل گردیده، شده باشد. برای آشامیدن مشروب سوراخی در قسمت باریکتر شاخ وجود داشت، بطوری که شاخ را از سر پهن‌تر آن پرمیکردند ولی از قسمت باریکتر مینوشیدند. با توضیحات فوق تصور میرود سه شاخ یا



(شکل ۱)

شمی بود که عکس آن را در شماره پیش دیدیم . اتفاقاً در این هر دو مجسمه آثار دست صنعتگر یونانی دیده میشود . سر برنزی آنتیوکوس کاملاً یونانی است . سبک هنری آن همان سبک معروف «هلنیستیک» است که بعد از اسکندر از یونان تا پیشاور معمول گردید .

با نشان دادن این ماسک از آنتیوکوس باز ناچاریم نتیجه بگیریم که ساختن مجسمه‌های برنزی در ایران زیاد معمول نبوده و حتی در قرن اخیر وقتی خواستند یک مجسمه برنزی از یکی از شاهزادگان ایران را بریزند به یک صنعتگر خارجی مراجعه کردند . این مطلب بهیچوجه باعث تحقیر هنرمندان نمیشود

بوجود آورده‌اند .

آیا میتوانیم از نشان دادن این شاخها یا جامها این نتیجه را بگیریم که ایرانیان که علاقمند به هنرهای تجسمی نبودند ، بهنرهای تزئینی علاقه زیاد داشتند . چون بعضی از خوانندگان راجع به این مطلب که در این مجله مطرح شده اظهار علاقه نمودند ، به خود اجازه میدهد نمونه‌های دیگری به عنوان شواهد ارائه دهم و امیدوارم که باعث کسالت خوانندگان نگردد . شکل شماره ۲ قسمتی از صورت آنتیوکوس چهارم را نشان میدهد که از برنز ساخته شده . این دومین باری است که یک مجسمه بزرگ از برنز در ایران پیدا میشود . نخستین بار مجسمه بزرگ



(شکل ۴)

ساکنان آن هرفدار تمدن یونانی بوده‌اند، آتش زده‌اند. بهرحال آقای «اورل ایشتن» دانشمند انگلیسی که درموقع کشف این سر درهمان محل مشغول کاوش بود از دولت ایران خواهش کرد آن را برای مدت کوتاهی برای مطالعه به او بپارند که به انگلستان برود. پس از مطالعه، آن را مجدداً به موزهی ایران باستان فرستاد، و امروز در یکی از قفسه‌های آن موزه قرار دارد.

همانطوری که ملاحظه میشود درضمن مطالعهی هنر ایران در عهد اشکانیان ناچاریم غالباً از یونانیان صحبت کنیم و این امری طبیعی است، برای این که برای مدت دو قرن یا بیشتر

که بخواهیم آن را انکار کنیم، زیرا ما باشواهد و نمونه‌های دیگر نشان میدهم که هنرمندان ایرانی در رشته‌های هنری تزئینی موفقیت فوق‌العاده‌ای بدست آورده‌اند، ولی بهنرهای تجسمی علاقمند نبوده‌اند. سراتیوکوس نیز در معبد شمی پیدا شد و این نشانه‌ی این است که در این محل امارت یا حکومتی بوجود آمده که به هنر و تمدن یونان علاقه داشته، همانطوری که مثلاً امروز بعضی‌ها به تمدن آمریکا یا فرانسه یا آلمان اظهار علاقه مینمایند. احتمالاً این سر که از جنس برنز بوده مورد تعرض آتش قرار گرفته زیرا بکلی از هم پاشیده شده. شاید وقتی رسیده است که این معبد و کاخ مجاور آن را که



(شکل ۳)

دارید که شباهتی به ظروف فلزی دارد. در طرفین دسته‌های آن برآمدگیهایی شبیه به میخ ملاحظه میکنید، وبهین طریق در کمر کوزه برآمدگیهایی شبیه به میخهای درشت وجود دارد. بنابراین تصور می‌رود تقلید از ظروف فلزی است و شما میدانید که در زمان اشکانیان و ساسانیان هنر ساختن ظروف فلزی، نقره و طلا، در ایران پیشرفت فوق‌العاده داشته است و حتی در حال حاضر نیز نقره کاری اصفهان و شیراز و زنجان شهرت جهانی دارد. بنابراین کوزه‌ی بالا را نگاه کنید و از زیباییهای آن لذت ببرید و متأسف نباشید که از ایام قدیم مجسمه‌هایی مانند مجسمه‌های متعدد روم و یونان در کشور ما باقی نمانده است.

دولت ایران و یونان باهم اختلاط و امتزاج فوق‌العاده پیدا کردند و هنرمندان دو کشور تحت تأثیر هنر یکدیگر واقع شدند. این مجله گنجایش این ندارد که نمونه‌های زیاد از هنر ایران یا یونان در آن نشان داده شود. با این حال برای اینکه بار دیگر لیاقت هنرمندان ایرانی را در رشته‌های تزئینی نشان دهیم در شکل ۳ کوزه‌ای را که از گل ساخته شده و لعاب مختصری دارد و امروز در یکی از مجموعه‌های خصوصی است ارائه می‌دهیم. این کوزه به‌تنهایی بیش از هر مجسمه برنزی یا سنگ زیبایی سلیقه و هنر دربردارد، و محققان این فن احتمال داده‌اند که متعلق به سیصد سال پیش از میلاد مسیح است. آیا قبول